بگو: «جز آنچه خدا بخواهد، براى خودم اختیار سود و زیانى ندارم، و اگر غیب مى‌دانستم قطعاً خیر بیشترى مى‌اندوختم و هرگز به من آسیبى نمى‌رسید. من جز بیم‌دهنده و بشارتگر براى گروهى که ایمان مى‌آورند، نیستم.» (188) اوست آن کس که شما را از نَفْس واحدى آفرید، و جفت وى را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. پس چون [آدم‌] با او [حوّا] درآمیخت باردار شد، بارى سبک. و [چندى‌] با آن [بار سبک‌] گذرانید، و چون سنگین‌بار شد، خدا، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندى‌] شایسته عطا کنى قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. (189) و چون به آن دو، [فرزندى‌] شایسته داد، در آنچه [خدا] به ایشان داده بود، براى او شریکانى قرار دادند، و خدا از آنچه [با او] شریک مى‌گردانند برتر است. (190) آیا موجوداتى را [با او] شریک مى‌گردانند که چیزى را نمى‌آفرینند و خودشان مخلوقند؟ (191) و نمى‌توانند آنان را یارى کنند و نه خویشتن را یارى دهند. (192) و اگر آنها را به [راه‌] هدایت فراخوانید، از شما پیروى نمى‌کنند. چه آنها را بخوانید یا خاموش بمانید، براى شما یکسان است. (193) در حقیقت، کسانى را که به جاى خدا مى‌خوانید، بندگانى امثال شما هستند. پس آنها را [در گرفتاریها] بخوانید، اگر راست مى‌گویید باید شما را اجابت کنند. (194) آیا آنها پاهایى دارند که با آن راه بروند، یا دستهایى دارند که با آن کارى انجام دهند، یا چشمهایى دارند که با آن بنگرند، یا گوشهایى دارند که با آن بشنوند؟ بگو: «شریکان خود را بخوانید؛ سپس در باره من حیله به کار برید و مرا مهلت مدهید.» (195)